

ارساباران: در جنگهای ایران-روس (1243-1218 ه.ق) و مبارزه با بیگانه گریان

سرویس ایران/خبرگزاری آران

* حسین دوستی

کوهها و دشتهای ارسباران شاهد دلآوری های مردم ایران در طی جنگهای ایران و روس در عهد فتحعلی شاه قاجار بود. چه حماسه ها که در این مناطق آفریده شد و چه خونهای پاک که بر خاکها و سنگهای این دیار ریخت. این شجاعتها و شهادتها، برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور و با عنوان مذهبی «جهاد» انجام می گرفت و لذا مردم با جان و دل، در این جنگها شرکت می نمودند و دلآوری ها می کردند. لیکن هزاران افسوس که بی غیرتی شاهان قاجار و توطئه های دشمنان این ملت، آن همه زحمات و خونها و زخم ها را به هدر داد و با عقد دو قرارداد ننگین «گلستان» و «ترکمانچای» 17 شهر قفقاز به اشغال روس ها درآمد.

در ایام عقد هر دو قرارداد شوم، مردم، خون گریستند و با تجمع در مقابل ساختمان حکومت، اعتراض خود را به گوش حاکمان رساندند و حتی سرداران شجاع سپاه ایران در مقابل چادر فرماندهی، تحصن کرده و خواستار ادامه جنگ شدند. از جمله آن شجاع مردان، تاریخ، نام رئیس ایل حاج علیوی قره داغ را به خاطر سپرده است. (1)

« اسداله سلطان حاج علیلو» که مردی به غایت شجاع و بلند همت بود و 9 نفر از فرزندان رشید خود را در این جنگ ها تقدیم راه وطن کرده بود، با جمعی از بزرگان منطقه به مقر نایب السلطنه عباس میرزا (فرمانده سپاه ایران) شنافتند و در حالی که دوازده نفر از فرزندان و نوادگان خود را نیز به همراه آورده بود، به عباس میرزا اعلام داشت که: حاضر این دوازده تن نیز مانند 9 نفر قبلی شهید شوند، ولی عهدنامه ترکمانچای امضا نشود. (2)

اسداله سلطان، اولین کسی است که از عهدنامه ترکمانچای با «صفت ننگین» نام برد و حتی اصرار زیادش برای ادامه جنگ، موجب عصیانیت عباس میرزا گردید و حکم مجازات اسداله سلطان صادر شد. لیکن با وساطت قائم مقام فراهانی، خشم عباس میرزا فرو نشست و عهدنامه به تصویب رسید. روس ها با پیروزی، شهرهای قفقاز را از ایران جدا کرده و به برنامه ریزی توطئه های بعدی پرداختند.

بی همتی شاهان قاجار و بی غیرتی آن خاندان، خونهای مردم را پایمال و عزت کشور ما را پایکوب کرد.

سوختیم و هیچکس از راز ما آگه نشد

چون چراغان شب مهتاب، بی جا سوختیم!

هسته های مقاومت در ارسباران در مقابل بیگانگان

اشغال آذربایجان در شهریور 1320 ه. ش توسط روس ها، ریشه در سیاستهای تجاوزکارانه روس ها در قرن هفدهم میلادی دارد. تزار معروف روس، «پترکبیر» نخستین کسی بود که درصدد کشورگشایی از سمت ایران برآمد. وی با اندیشه تسلط بر قسمتی از جهان آن روز، در خیال داشت تا روسیه را مرکز اروپا و آسیا کند و به همین علت پس از تصرف کشورهای بالتیک، ممصم شد تا راهی به سوی دریاهای آسیا بگشاید و با راهیابی به آب های گرم اقیانوس ها، نقشه کشورگشایی خویش را جامه عمل ببوشاند.

اوضاع نابسامان ایران در اواخر عهد صفوی، باعث تحریک بیشتر تزار روس شد و در نتیجه در اولین حمله رسمی روسها به ایران، شهرهای شمالی از جمله باکو و رشت به اشغال روسها درآمد. لیکن با روی کار آمدن نادر شاه افشار، سربازان روس ناچار به عقب نشینی و تخلیه مناطق اشغالی شدند و هفتاد سال، دولت روسیه، جرأت تجاوز به خاک ایران را پیدا نکرد. (ناصر نجمی - ص 47 و 48)

اما سیاست خارجی روس ها بر اساس نظرات و بعداً به نام وصیت نامه پترکبیر، کماکان ادامه حملات و اشغالگری ها بود تا بر اساس آن وصیت نامه، روس ها از ایران گذشته و با تصرف آن، بر خلیج فارس و آبهای آزاد مسلط شوند. لذ در طول دهها سال این اهداف در سیاست خارجی روسیه، توسط تزارها و زمامداران دیگر مدنظر قرار گرفت و نهایتاً در دوره ضعف و بی توجهی قاجارها، طی سه قرارداد «گلستان»، «ترکمانچای» و «آخال» سرزمین هایی در شمال و شمال غرب و شمال شرق ایران به تصرف روس ها درآمد و قسمتی از اهداف پترکبیر عملی شد.

علی رغم تصرف بخش بزرگی از ایران، روس ها به این اقدامات بسنده نکرده، به دست درازی به سرزمین های این سوی ارس (آذربایجان) نیز اقدام نمودند. مردم غیور منطقه ارسباران که در طی جنگهای دوره اول و دوره دوم ایران و روس، شجاعانه جنگیده بودند و صدها شهید و اسیر و زخمی در دفاع از وطن پرداخته بودند، این بار نیز غیرتمندانه تصمیم به مقابله با تجاوزات روس های اشغالگر نمودند.

تجاوزات روس ها در این دوره، شامل حملات نظامی به روستاها، سوزاندن مزارع و باغات، سرقت گله های گاو و گوسفند، آتش زدن خانه های مردم، ربودن و دزدیدن زنان و کودکان و دستگیرکردن مخالفان اشغال و ... بود. چه بسا خانمانها که در این حملات، از بین رفت و چه سالهایی از عمر مبارزان که در زندانهای روس ها سپری شد! (به نقل از: اسناد آرشو آقای نیکبخت)

سرانجام کانون های مقاومت بر علیه متجاوزان روسی در مناطق مرزی تشکیل گردید. بازماندگان شهدای جنگهای ایران و روس، شاهدان کشتارهای ناجوانمردانه، از اولین نفراتی بودند که به این کانون ها می پیوستند.

در رأس این مبارزان، زنی قهرمان به نام «پریزاد» قرار گرفته بود که با هجوم به داخل سرزمین های شمال ارس، دمار از روزگار روس های متجاوز درمی آورد. زنان و مردان شجاع ارسباران، تحت فرماندهی پریزاد، سالها با روس ها جنگیدند و مانع ادامه سیاست های اشغالگرانه آنها شدند. (عیسی غریبی کلیبر، زمان پریزاد)

ولی متأسفانه ضعف حکومت قاجار و پیروی بزدلانه شاهان قاجاری از روس ها، پای قشون روس را به این سوی ارس (آذربایجان) نیز باز کرد و با موافقت آن حکومت پست، عمال روسیه در همه جای آذربایجان و ارسباران (قراجه داغ) نظر و نفوذ داشته و ساخلوی آن ها در اهر مستقر و در محوطه آرامگاه شیخ شهاب الدین اهری چادر زده و هر روز مراسم مشق نظامی و سان و سرود برگزار می کردند. (حسین بایبوردی، ص 46)

بعد از جنگ جهانی اول و سقوط تزارها، نیروهای روسی از ایران عقب نشینی و ظاهراً تا سال 1309 ه. ش هیچ واقعه مهمی بر علیه ایران انجام نگرفت. تا اینکه در همین سال، سپاه قفقاز به بهانه تعقیب و دستگیری قاچاقچیان مرزی و فراریان شوروی به عمق سه فرسخی ارسباران وارد شده و عده ای از خوانین و افسران و سربازان و کدخدایان مرزی را ربوده و به شوروی بردند (همان، ص 43) و از همین سال، مرحله دیگری از پروسه تجاوزگری روس ها به خاک ایران شروع گردید و دیگر، هیچ روز و هفته و ماهی از تاریخ ارسباران بدون واقعه ای تجاوزکارانه از سوی روس ها دیده نشد و متجاوزان روس روز به روز جهت اجرای نیت شوم خود اقدامات نظامی و اشغالگری متعدد و مکرری را به مرحله اجرا گذاشتند.

در این سالها نیز درگیری های بین روس ها و ایرانیان، افرادی شهید شدند که مدفن آنها در محل با نام « شهیدگاه» و اکثراً در جلو پاسگاههای مرزی به یادگار مانده اند و دره ها و تنگه هایی که به نام معرکه های جنگ با روس ها معروفند!

سرانجام با شروع جنگ جهانی دوم، بهانه مناسبی برای حضور جدی روسها در ایران به دست آمد و سوم شهریور 1320 ه. ش قوای روس از شمال و قوای انگلیس از غرب و جنوب وارد کشور ایران شده و رسماً کشورمان را اشغال نمودند!

با تجاوز شوروی به ایران در سوم شهریور 1320 و اشغال دویست هزار کیلومتر مربع از خاک ایران، توانایی مخالفت با دولت متجاوز از سوی دولت ایران سلب شد و شوروی ها با اعمال نفوذ در دولت و مجلس، سعی در گرفتن امتیاز از جمله گرفتن امتیاز استخراج نفت شمال نمودند. سرسختی مجلس و عدم موفقیت شوروی ها در امتیازگیری، فاز دیگری از پروسه ی دو قرنی پطرکبیر را آغاز نمود و آن تشکیل فرقه دموکرات بود!

فاجعه سوم شهریور 1320 در ارسباران

سوم شهریور 1320 هـ. ش برای ارسباران، روزی شوم و غیرقابل فراموشی است. روس ها از پل خداآفرین گذشته و از راه کلیبر، خود را به اهر رسانده و از آنجا در نقاط دیگر پراکنده شدند. صبح سوم شهریور، غرش هواپیماهای سیاه رنگ روسی، مردم اهر را از خواب بیدار کرد. هواپیماها شروع به بمباران خانه ها کردند. دسته دسته مردم، زیر آوارها و در آتش بمب ها سوختند. مردم، ناچار به باغات جنوب شهر پناه بردند، ولی هواپیماها همان باغات را نیز هدف قرار دادند و قریب نود نفر از اهالی کشته شدند. (همان، ص 44) خانه های مردم غارت شد و کودکان در مقابل چشم مادرانشان کشته شدند. شهر به تصرف نیروهای شوروی درآمد و سواران و تفنگداران روسی در شهر مستقر شدند و مسجد صاحب الامر را ضبط اسبهای خود کردند. (به نقل از معمرین منطقه و شاهدان عینی)

به این ترتیب همه شهرهای ارسباران (اهر، کلیبر، خداآفرین، ورزقان، هریس) به تصرف روس ها درآمد و بعد از استقرار نیروهای روسی، اقدامات نظامی و سیاسی نیز انجام گرفت. فعالیت تشکیلات حزب توده و جمعاعات کمونیستی و تهدید و ارباب مردم و مخالفین اشغالگری شروع شد. اما ارسباران که در هیچ برهه از تاریخ، یوغ رقیت بیگانگان و اشغالگران را نپذیرفته، در این سالها نیز به مقابله با دشمن برخاست و مردان غیرتمندش با تشکیل هسته های مقاومت به مبارزه با روس های متجاوز پرداختند:

1. حضرت آیت ا...العظمی حاج سیدکاظم طباطبایی کوه کمری اهری معروف به مجتهد اهری، حزبی به نام « حزب اسلامی» در اهر تاسیس کرده و با بسیج جمعی از مردم اهر و عشایر منطقه، در مقابل اهداف روس ها و احزاب وابسته آنان ایستاده و تن به سازش نداد. « آخوندوف» عامل روس ها با انتشار شایعات و تهمت ها، سعی در بدنام کردن و شکست دادن مجتهد نمود و لیکن، مجتهد شجاع اهری، با استقامت به مبارزاتش ادامه داد.(3)

2. عبدالله خان محمد خانلو، رئیس ایل محمد خانلوی ارسباران، از سالها پیش در نوار مرزی کناره های ارس و در روستاهای مختلف با روس ها می جنگید و در سالهای اشغال (25 - 1320) با سواران مسلح خود، روزگار روس ها را سیاه کرده و درجنگ های متعددی آنان را به زانو درآورده بود.

ژنرال های روسی، مکرراً سعی کرده بودند عبدالله خان را به سوی خود جلب کنند تا ضمن محفوظ ماندن از حملات وی، از نفوذ و قدرت نظامی او نیز بهره مند شوند. لیکن وی بعد از تماس با علمای معروف وقت از جمله: آیات عظام سیدکاظم طباطبایی کوه کمری اهری، انگجی و شهیدی، دست رد بر سینه بیگانگان زده بود.(4)

حتی در سال 1312 هـ. ش که احزاب متمایل به شوروی در شهرستان کلیبر، خواسته بودند با نصب تابلو و عضوگیری اقدام به فعالیت نمایند، توسط افراد عبدالله خان متلاشی شده و از فعالیتشان جلوگیری به عمل آمده بود.(5)

نهایتاً در مهر 1324 دفتر حزب توده با پشتیبانی شوروی ها با مسئولیت يك ارمنی به نام «سرسیس» در کلیبر دایر و شروع به فعالیت می نماید که اواخر همان ماه (مهر 1324) افراد عبدالله خان، دفتر حزب را اشغال نموده، اسناد و مدارک آن را ضبط می کنند.

« آخوندوف» مسئول حزب توده اهر، طی نامه ای از عبدالله خان اجازه گشایش مجدد دفتر حزب کلیبر را خواستار می شود. عبدالله خان در جواب نامه «آخوندوف» می نویسد: در صورتی که گشایش مجدد حزب در کلیبر مخالفت نخواهم کرد که از فرماندار و سرهنگ امین فرمانده پادگان اهر و یا فقط از شخص آیت اله سیدکاظم اهری اجازه و موافقت کتبی داشته باشند!(6)

و در آبان 1324 سرگرد بابایف - فرمانده پادگان شوروی در اهر - خواستار ملاقات با عبدالله خان می گردد. عبدالله خان در جواب می نویسد: ملاقات ما با تبعه بیگانه بدون حضور دولتمردان ایرانی، عملی است خلاف و هیچ نوع عذر موجهی نیز برای توجیه این دیدار نمی بینم.(7)

و در آخر، کنسول شوروی از تبریز به اهر آمده و وعده اولین مقام حزبی در 18 محال قراجه داغ (ارسباران) را به عبدالله خان می دهد!(8)

اما فرمانده شجاع ایلات ارسباران، هیچ وعده و تهدیدی را بر نمی تابد و شجاعانه با افراد وفادارش، مقابل توطئه بیگانگان می ایستد. جنگهای شدیدی بین او و روس ها درمی گیرد و کوهها و دره ها از فریاد دلاوران و نفیر گلوله ها، سرسام می گیرند.

حمله گسترده نیروهای مهاجم علیه عبدالله خان در دی ماه 1324 در روستای «حیدرکانلو» آغاز می شود. محاصره سختی، نیروهای مسلح عبدالله خان را در تنگنا قرار می دهد. لیکن شجاعت یاران عبدالله خان باعث شکسته شدن محاصره و فرار نیروهای مهاجم می گردد. این جنگها چند روز طول می کشد و عبدالله خان بعد از زخمی شدن، به اسارت عناصر فرقه دموکرات درمی آید. او را بعد از اهانتهای زیاد به اهر برده و در آنجا اعدام می کنند.(9)

3. سیدصمدخان سیداحمدی، بزرگ ایل حسینلو، سومین فرد غیرتمندی بود که در منطقه حسن آباد ارسباران، در پی اتحاد با عبدالله خان محمد خانلو، به مبارزه با روس ها پرداخته و با افراد مسلح ایل خود، سالها و ماهها با اشغالگران جنگیده است. میرصمدخان که مدتی نیز در کسوت روحانیت بوده و سجع مهر وی «صمدین صمدالحسینی» بوده، در سال 1324 هـ. ش توسط قشون فرقه دموکرات پیشه وری به فرماندهی ژنرالهای روسی، دستگیر شده و در تبریز به همراه پسر و جمعی از بستگانش به طرز فجیعی به قتل رسیده اند!(10)

روس ها با این اقدامات ضدانسانی و علیرغم توطئه های عدیده نتوانستند آذربایجان عزیز را از پیکره ایران اسلامی جدا نمایند و سرانجام تلاشهای مبارزان مسلمان آذربایجان، به ثمر رسید و دشمن خانه زاد (فرقه دموکرات پیشه وری) را، همت غیرتمندان و ناله ستم کشیدگان، درهم شکست و با فروپاشی فرقه دموکرات و فرار رذیلانه سران آن، آذربایجان به

دامن میهن اصلی - ایران - برگشت.

اگر آیرپلسا بندیم بنددن، جاناندان آیرپلمام

وطن دیر سوگولیم یاریم، اولم ایراندان آیرپلمام(11)

ترجمه:

نگسلم از یار، حتی بگسلد بندم ز بند

یار و دلدارم وطن، هرگز ز ایران نگسلم

منابع و ماخذ

1. بایبوردی، حسین - تاریخ ارسباران - انتشارات کتابخانه ابن سینا - تهران - 1341
2. حافظ زاده، محمد - ارسباران در گذر حماسه و تاریخ - مهدآزادی - تبریز - 1376
3. غربی کلیبر، عیسی - پریزاد - مرکز فرهنگی آبا - تهران - 1375
4. نجمی، ناصر - ایران در میان طوفان - کانون معرفت - 1336
5. نیکبخت کوهی، رحیم - آرشو شخصی

پی نوشت ها :

1. ایران در میان طوفان، ناصر نجمی، ص 172

2. ارسباران در گذر حماسه و تاریخ، محمد حافظ زاده - ص 429

3. حافظ زاده، ص 375

4. همان، ص 383

5. همان، ص 384
6. همان، ص 385
7. همان
8. همان، ص 387
9. بایبوردی، ص 155
10. حافظ زاده، ص 763
11. از سروده های آقای هاشم عابدی از شعرای ارومیه